

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸، صفحات ۵۳-۸۶

## پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال و بختیاری

جعفر توکلی، محمدحسن ضیاءتوانا\*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۵/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۳/۱۹

### چکیده

دامداری عشایری به رغم پایداری بوم‌شناختی و اقتصادی، در بسیاری از مناطق جهان و کشور ما تحت تأثیر جریان نوسازی رو به افول نهاد و اسکان حمایت شده از سوی دولت‌ها شدت یافت. مقاله حاضر به بررسی تبعات فضایی اسکان عشایر در شهرک‌های شرمک، چلگرد و لشتر در استان چهارمحال و بختیاری می‌پردازد. نتایج پژوهش گویای آن است که اسکان در اتراقگاه‌های فصلی خطر حوادث طبیعی را افزایش داده است. به رغم بهبود نسبی در برخورداری از خدمات، بسیاری از انتظارات منطقی سکنه برآورده نشده است و میان سکونتگاه‌های مورد بررسی اختلاف فاحشی وجود دارد. کاهش شدید دام به عنوان منبع اصلی معیشت موجب کاهش درآمد و افزایش بیکاری شده است که بازتاب آن استمرار کوچندگی، مهاجرت‌های فصلی و گرایش به مهاجرت دائمی است. با توجه به ناتوانی شهرک‌های یادشده در نگهداشت جمعیت، راهکار برون‌رفت، توجه به توسعه درون‌زا و پایدار منطقه و تنوع‌بخشی به منابع درآمد در قالب ظرفیت‌سازی توان‌های محلی و توانمندسازی عشایر اسکان‌یافته است.

کلیدواژه‌ها: عشایر / اسکان عشایر / سکونتگاه‌های عشایری / چهارمحال و بختیاری (استان).

\* به ترتیب، دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و عضو هیئت علمی دانشگاه رازی (jaftavakkoli@yahoo.com)؛ و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

## مقدمه

نظام دآمداری مبتنی بر کوچندگی در انواع گوناگون خویش محصول شرایط جغرافیایی، تغییرات اقلیمی و سازگاری جوامع انسانی با شرایط محیطی است و امکان بهره‌برداری مازاد جمعیت از اراضی حاشیه‌ای<sup>(۱)</sup> را فراهم ساخته است. این نظام در بستر برخی تحولات تاریخی بالندگی و قدرت یافته و با تکیه بر ساختار ایلی و توان نظامی خود بر جوامع یکجانشین تفوق داشته است<sup>(۲)</sup>. اما در پی انقلاب صنعتی و تحولات فن‌شناسانه، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاصل از آن، کفه قدرت یکجانشینان سنگین‌تر شد و جوامع کوچنده تحت تأثیر جریان نوگرایی و نوسازی به گونه خودجوش یا با اجبار و تشویق دولت‌ها اسکان یافتند. مداخله حکومت‌ها در این جریان به ویژه از پس قدرت‌یابی دولت‌های ملی و مستقل و تلاش در جهت ایجاد نظام سیاسی - اداری متمرکز شدت یافت و وجود عشایر بر خلاف مسیر توسعه و مغایر با امنیت ملی کشورها تلقی شد.

در ایران نیز کمابیش همین جریان حاکم بود و حکومت‌ها که در طول تاریخ با جابجایی عشایر به مناطق مختلف آنها را کنترل می‌کردند، از آغاز قرن بیستم اقدامات پردامنه و گاه خشونت‌آمیزی را جهت اسکان آنها اعمال نمودند. حاکمیت نظام برنامه‌ریزی بخشی و متمرکز، کم‌توجهی به عشایر در برنامه‌های عمرانی<sup>(۳)</sup> و رویکرد نوسازی به توسعه (نگاه کنید به: سو، ۱۳۸۰: ۳۱۲ و ۵۸-۵۹، و امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۱: ۶-۱۰)، موجب تغییرات ساختاری در زندگی عشایر شد. حذف خوانین و از بین رفتن ساختار ایلی، اصلاحات ارضی، و ملی شدن جنگل‌ها و مراتع به نوبه خود منجر به از بین رفتن مدیریت محلی و بومی حاکم بر بهره‌برداری از منابع طبیعی گردید. از بین رفتن ایل‌راه‌ها، تبدیل کاربری مراتع به اراضی زراعی، ورود دامداران غیرعشایری به مراتع و اعمال فشار بیش از حد بر مراتع به همراه عواملی چون عمده شدن درآمد نفت در اقتصاد ملی، واردات مواد غذایی، توسعه شهرنشینی و افزایش فرصت‌های شغلی در شهر، و افزایش نسبی سواد در بین عشایر زمینه‌های روی‌آوری به اسکان و مهاجرت به شهرها را فراهم کرد.

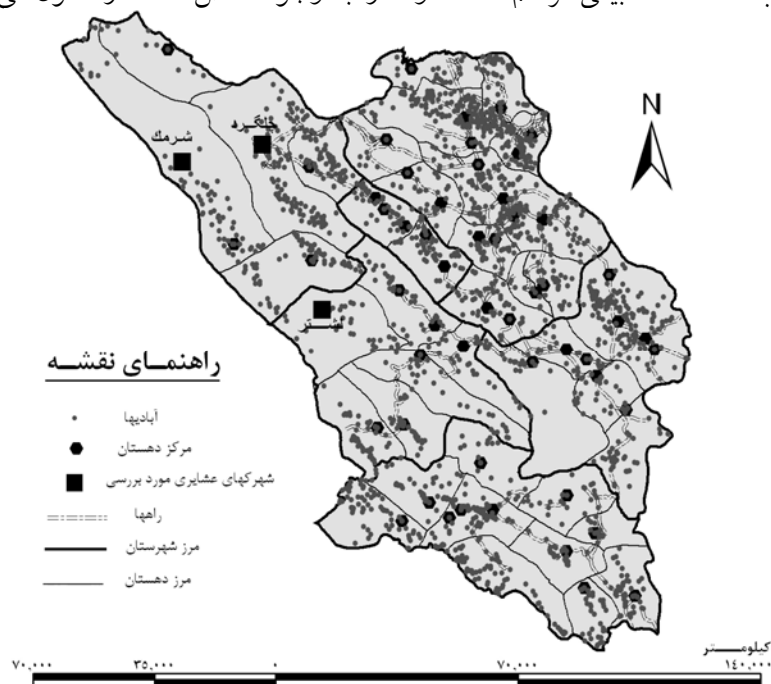
این وضعیت موجب شد که نظام جمهوری اسلامی نیز که حدود یک دهه بر حفظ نظام کوچندگی تأکید می‌کرد، بنابر ملاحظات زیست‌محیطی و با هدف محرومیت زدایی، اسکان عشایر را در دستور کار خویش قرار دهد. از این رو در برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه، اسکان در قالب طرح ساماندهی عشایر در مناطق عشایری کشور به اجرا درآمده است.

اسکان جامعه کوچنده به گونه درون‌زا و خودجوش و یا برنامه‌ریزی شده توسط دولت با تحولاتی اساسی در مبانی فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی و زیستی زندگی عشایر همراه است. به بیان بهتر در جریان اسکان برخی کارکردهای اساسی زندگی جامعه کوچ‌رو تغییر می‌یابد که بازتاب آن در محیط جغرافیایی تحت عنوان پیامدهای فضایی مطرح می‌باشد. تجارب موجود گویای آن است که پیامدهای منفی اسکان به‌ویژه در پروژه‌های مورد حمایت دولت‌ها بیشتر است. ناکافی بودن منابع آب و خاک، فصلی بودن استعدادهای تولیدی و در نتیجه کاهش اشتغال و درآمد، افزایش هزینه‌های زندگی و مخارج خانوار، و نارسایی زیرساخت‌های ارتباطی و خدماتی، بازتاب فضایی خود را در قالب ناتوانی سکونتگاه در جذب و نگهداشت جمعیت و افزایش مهاجرت‌های فصلی و دائمی به مراکز دور و نزدیک شهری و در واقع سرایت ناهنجاری‌های اجتماعی-اقتصادی به سایر عرصه‌های زیستی نشان داده است.

### شهرک‌های مورد مطالعه

مقاله حاضر با بررسی شهرک‌های عشایری چلگرد، شرمک و گشت در استان چهارمحال و بختیاری (شکل ۱) در صدد پاسخ به این مسئله است که فرایند و پیامدهای اجتماعی-اقتصادی اسکان عشایر از بعد فضایی تا چه حد منجر به سکونت دائمی و پایدار آنها گردیده است؟ دلیل انتخاب سکونتگاه‌های یادشده علاوه بر مداخله بیشتر دولت در فرایند اسکان، بررسی وجوه اشتراک و افتراق پیامدهای فضایی اسکان عشایر در این استان است؛ چرا که استقرار هر یک از آنها در منطقه‌ای خاص از استان از حیث شرایط جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، مسائل متفاوت و همچنین سطوح متفاوتی از توسعه و

برخورداری از امکانات و خدمات را رقم زده است که امکان تحلیل بهتر را در چارچوب مطالعات تطبیقی فراهم ساخته و ما را به وجوه خاص مسئله رهنمون می‌سازد.



شکل ۱- موقعیت سکونتگاه‌های مورد بررسی در استان چهارمحال و بختیاری

مأخذ: وزارت کشور، ۱۳۸۵

شَرَمک در دهستان بازفت از توابع بخش بازفت شهرستان کوهرنگ محل زندگی ۵۵ خانوار از طایفه موری از عشایر دورکی باب هفت لنگ بختیاری است که از سال ۱۳۷۹ در این شهرک اسکان یافتند. خانوارهای مذکور مایل به سکونت بوده و حتی زمین و عرصه ساخت شهرک را نیز خود در اختیار مسئولان اجرای طرح قرار داده‌اند. شهرک عشایری چلگرد در دهستان شوراب تنگزی، بخش مرکزی شهرستان کوهرنگ واقع شده است و محل زندگی ۱۵۰ خانوار طایفه‌های ببادی و عالی‌انور از عشایر هفت‌لنگ بختیاری می‌باشد که تقریباً از سال ۱۳۷۷ در این شهرک اسکان یافته‌اند. از آنجا که بر

اساس آخرین تقسیمات سیاسی استان، چلگرد از مرکز بخش به مرکز شهرستان ارتقا یافته، با توسعه روزافزون شهر، کانون اسکان یادشده در حاشیه شهر قرار گرفته است. این مسئله علاوه بر این که با اهداف اولیه طرح ساماندهی مبنی بر جلوگیری از تبدیل شدن جامعه عشایری به شهری منافات دارد، به لحاظ الزامات زندگی شهری، عدم امکان فعالیت‌هایی نظیر دامداری در شهر، و تبدیل کاربری اراضی زراعی به مسکونی، تجاری و مانند آن مشکل‌آفرین شده است. کانون اسکان گستر از توابع بخش مرکزی شهرستان اردل، در دهستان دیناران از بخش مرکزی شهرستان اردل واقع شده و محل زندگی ۳۵ خانوار از طایفه گورووی از عشایر هفت‌لنگ بختیاری است که حدوداً از سال ۱۳۷۸ در این شهرک اسکان یافته‌اند.

### تجارب

بررسی تجارب اسکان جوامع کوچنده در جهان و ایران گویای آن است که پیامدهای نامطلوب اجتماعی-اقتصادی و به تبع آن پیامدهای فضایی اسکان عشایر به ویژه در پروژه‌های دولتی در خور توجه می‌باشد. در بررسی تجارب سعی شده است کشورهای مورد مطالعه قرار گیرند که از نظر شرایط بوم‌شناختی و وجود نظام‌های عشایری و نیز برنامه‌ها و اقدامات مرتبط با این جوامع بیشترین مشابهت را با شرایط ایران داشته باشند. در بررسی تجارب داخلی نیز بیشتر تجارب اخیر اسکان عشایر (پس از پیروزی انقلاب اسلامی) مد نظر قرار گرفته است.

تجربه اسکان در نیجریه و اتیوپی حاکی از آن است که دولت‌ها با رویکردی متعادل‌تر نسبت به روش‌های خشن گذشته، با تهیه مسکن، اراضی کشاورزی، ارائه خدمات دامپزشکی، آموزشی، درمانی و مانند آن اقدام به اسکان عشایر کردند. تمام این خدمات موجب افزایش جمعیت شد. طی دهه ۱۹۵۰ تا نیمه ۱۹۶۰ که خشکسالی عمده‌ای رخ نداد، وفور منابع آب ضرورت جابجایی از یک نقطه به نقطه دیگر را کم‌رنگ‌تر کرد و موجب تسریع اسکان شد. افزایش یکجانشینان موجب گسترش

اراضی کشاورزی به قلمروهای مرتعی شد و کوچ‌نشینان را به عرصه‌های کوچک‌تری محدود ساخت. از بعد اجتماعی اسکان عشایر و آموزش‌های رسمی موجب شد که فرزندان عشایر بر اساس شیوه‌های سنتی خود تربیت نشوند و در نتیجه برای فرهنگ خویش ارزش قائل نگردند (Vassa, 2001: 2-3).

اسکان عشایر هواویر در سودان گرچه اجباری نبود، اما عشایر مذکور تمایل چندانی به سکونت در روستای نمونه (محل اسکان) نداشتند. پس از پایان پروژه تنها تعداد اندکی خانوار عشایری در آن ساکن شدند و به رغم وجود امکاناتی چون چاه آب، زمین کشاورزی و مدرسه، پروژه در جذب آنها موفق نبود. تا زمان تحقیق هیچ‌کدام از رهبران عشایر مذکور در محل پروژه اسکان نگزیدند. فقدان امکاناتی چون برق، آب کافی، پیش‌بینی نکردن فضای کافی برای دام عشایر و در نتیجه جذب نشدن آن دسته از عشایر که دام آنها زیاد بود، فقدان مراتع کافی برای چرای دام در محل جدید، و غیر مشارکتی بودن فرایند مکانیابی از جمله مشکلات طرح بوده است (Larsen et al., 2003: 14).

تحقیق دیگری در سودان در مورد طرح توسعه گاش<sup>(۴)</sup> حاکی از استقبال کم عشایر است، زیرا درآمد محصول پنبه پیش‌بینی شده در طرح خیلی کمتر از درآمد پرورش دام در شرایط کوچ‌نشینی بود. در دهه ۱۹۶۰ دولت سودان به منظور خدمات‌رسانی بهتر و توسعه جوامع عشایری تصمیم به اسکان آنها گرفت، اما موفق نشد. طراحی از بالا به پایین و بدبینی عشایر به مداخلات دولت، احداث مزارع در چراگاه‌های اشتراکی که موجب منع استفاده دیگران و ایجاد درگیری بود، و ظرفیت محدود واحدهای احداث شده نسبت به دام خانوارها مسائلی بودند که جذب و نگهداشت جمعیت عشایر را در سکونتگاه‌های مذکور مشکل می‌ساختند (Khogali, 2001: 2-3).

مطالعه انجام شده در افغانستان حاکی از گرایش شدید عشایر به کوچ و شکست برنامه اسکان اجباری است. در محدوده زمین‌هایی که از آب هیرمند مشروب می‌شوند، زمین‌هایی به وسعت دو تا ده هکتار به اضافه یک خانه ساخت دولت برای چهار

خانواده به عشایر واگذار شد. متقابلاً عشایر متعهد شدند که تا پانزده سال کوچ نکنند. پس از اتمام این مدت سند مالکیت زمین به آنها تحویل می‌گردید. به این ترتیب ۲۰۰۰ خانواده در سال ۱۹۶۶ اسکان یافتند. اما کشت محصول در اراضی نامساعد و کاهش احشام (به دلیل فروش تدریجی)، به فقر خانوارها انجامید. در این شرایط خانواده‌ها بی‌صبرانه منتظر روزی بودند که مجدداً حق کوچ را به دست آورند و با فروش زمین و تهیه دام لازم به کوچ‌روی پردازند (دوپلانول، ۱۳۸۳: ۱۳۶-۱۳۷).

بر اساس پژوهشی که در مورد عشایر رندیلی در شمال کنیا انجام شده است، در طول دوره خشکسالی ۱۹۹۲ کودکان اسکان یافته تقریباً سه برابر بیش از کودکان عشایری و کوچنده دچار سوء تغذیه بودند (Larsen et al., 2003: 2). بررسی افشارنادر نیز در ایل بهمئی نشانگر آن است که وضع تغذیه عشایر کوچ‌رو نسبت به عشایر اسکان‌یافته بهتر است. همچنین مرگ و میر اطفال در میان عشایر اسکان‌یافته بیش از اقوام کوچ‌رو است (افشارنادر، ۱۳۴۷: ۷-۸).

اهلرس یکجانشین نمودن عشایر زاگرس را چنین ارزیابی می‌کند: «دولت از اسکان عشایر با تمهیداتی چون اعطای وام یا بنای مسکن پشتیبانی می‌کند. اما این شیوه‌های حمایتی غالباً با شکست همراه بوده‌اند، چرا که در این میان هیچ‌گاه شرایط بنیادی بوم‌شناختی و همچنین نیازها و ضرورت‌های خاص جامعه عشایری مورد توجه لازم قرار نگرفته است. از منظر بوم‌شناختی و اقتصادی این نوع برخورد نسنجیده شدیداً زیر سؤال است، زیرا تنها نقاط معدودی از زاگرس دارای منابع طبیعی مناسب و کافی برای یکجانشینی و فعالیت کشاورزی و دامداری پایدار است... در پروژه‌های دولتی مکان‌هایی برای اسکان انتخاب شده‌اند که عملاً با شرایط اجتماعی کوچندگان سازگاری ندارند و می‌توان آنها را دخالت مدرنیستی به شمار آورد. البته کوچندگان عمدتاً بی‌چیز که امکان دیگری برای بقای اقتصادی ندارند، در این گونه برنامه‌های اسکان شرکت می‌جویند» (اهلرس، ۱۳۸۰: ۱۵۸).

تحقیق انجام شده در مورد سامان‌دهی روستاهای پراکنده در بخش‌های بهمی و لنده استان کهگیلویه و بویراحمد گویای آن است که منطقه از توان‌های طبیعی اندک برای سکونت‌پذیری برخوردار است. محدودیت منابع آب و خاک، اشتغال، درآمد و معیشت ناچیزی را تدارک می‌کند. اسکان عشایر در مالگاه‌های سابق که عمدتاً به صورت فصلی و موقتی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت، موجب استقرار بسیاری از سکونتگاه‌ها و روستاها در عرصه‌های خطرناک و در معرض سیل، زلزله، زمین‌لغزش و غیره شده است. عشایری بودن منطقه، سابقه سکونت اندک و نبود زیرساخت‌های مناسب برای سکونت‌پذیری از قبیل راه‌های ارتباطی، برق، آب و امکانات و خدمات دیگر موجب ناپایداری سکونتگاه‌های کوچک و گرایش به مهاجرت به شهرها شده است. در عین حال شهرهای منطقه نیز ظرفیت پذیرش جمعیت سرریز روستاها را ندارند و خود با معضلاتی روبرو می‌شوند (سعیدی و دیگران، ۱۳۷۳).

در مجتمع عشایر سردگال ایرانشهر نیز که برای استقرار حدود ۳۸۰ خانوار عشایری طراحی شده و حتی زمینه فعالیت اقتصادی آینده آن نیز با حفر چاه‌های عمیق فراهم گردیده است، به رغم سرمایه‌گذاری قابل توجه و با گذشت چهارسال از اجرای طرح، کمتر از ۱۰ درصد از افراد، حاضر به اسکان در محل شدند. انطباق اندک اجرا با مطالعه و برنامه‌ریزی و برخورد سیاسی با برنامه‌ریزی عوامل عمده ناکامی طرح بوده‌اند. ظاهراً عشایر تمایل به اسکان در محل دیگری داشته‌اند. برخورد سیاسی و وجود عشایر متعارض در محل، موجب بروز درگیری و کشته شدن فرزند یکی از ریش‌سفیدان مجموعه شد (خویفکر برآبادی، ۱۳۷۵: ۴۳-۴۴).

ارزیابی اثرات اقتصادی، اجتماعی کانون‌های اسکان حنا (گل‌افشان) و چشمه رحمان در استان اصفهان، گویای نارضایتی از خانه‌ها و اعمال نقشه‌های تیپ و نامناسب از لحاظ نور و فضای کافی در کانون حنا است. دیوارکشی حیاط صورت نگرفته و ساخت در حد سفت‌کاری است. ظاهراً به دلیل فقدان نظارت کافی، پیمانکاران از عشایر سوء استفاده مالی کرده‌اند. همچنین به علت نداشتن سرمایه کافی، برخوردار



نبودن از آموزش‌های لازم شغلی، و بکر بودن اراضی زراعی واگذارشده، عملکرد تولیدات زراعی عشایر مورد بررسی، اندک و در مقایسه با میانگین عملکرد منطقه در سطح پایین‌تری قرار داشته است. تنها حدود ۴۸ درصد از اراضی زراعی کانون یادشده آبیاری می‌شود و مابقی دیم است. کاهش تعداد دام و در نتیجه کاهش مواد اولیه و فقدان فضای کافی در منازل برای بر پا کردن دار قالی، تولید قالی و قالیچه را با کاهش مواجه کرده است. در حالی که در مورد کانون چشمه رحمان به لحاظ خودجوش بودن فرایند اسکان، مشکلات مذکور کم‌رنگ‌تر می‌باشد (صالحی، ۱۳۸۲: ۱۵، ۱۶، ۹۳، ۹۸، ۱۱۴).

بررسی دیگری که از بعد اقتصادی در مورد اسکان عشایر دشت بکان اقلید انجام شده حاکی است که پس از اسکان، سهم زراعت در ترکیب فعالیت‌های جمعیت مورد بررسی افزایش یافته و تنوع فعالیت‌ها بیشتر شده است. اما مشکل کم‌آبی موجب شده است که عملاً کمتر از ۲۰ درصد از اراضی واگذارشده به صورت آبی کشت شود. ناآشنایی عشایر به زراعت یکی از دلایل رواج اجاره اراضی به دیگران است. این وضعیت موجب شده است که میانگین درآمد خالص خانوار برای عشایر اسکان یافته نسبت به قبل از اسکان کاهش یابد و بدین لحاظ کار در سایر نقاط روندی رو به افزایش داشته باشد. از سوی دیگر میانگین مخارج خانوار پس از اسکان افزایش یافته است. بیشترین زیان اجرای طرح را خانوارهایی دیده‌اند که قبل از اسکان تعداد دام زیادی داشته‌اند و کاهش درآمد آنها از محل تولیدات دامی با افزایش درآمد حاصل از کشاورزی جبران نشده است. از این رو ۶۲ درصد عشایر اسکان یافته از طرح راضی نیستند. نتایج تحقیق گویای آن است که در این رابطه عواملی از قبیل کاهش درآمد، فقدان سرمایه لازم برای بهره‌برداری مناسب از اراضی، و نبود تسهیلات بانکی مناسب نیز مؤثر بوده‌اند. همچنین به دلیل پیش‌بینی نکردن جایگاه نگهداری دام در محل، بسیاری از افراد مورد بررسی هنوز در فصل زمستان به مناطق قشلاقی کوچ می‌کنند (سلطانی و همکاران، ۱۳۷۸).

بنابراین با تکیه بر تجارب مذکور فرضیه تحقیق بدین شکل صورت‌بندی می‌شود: «اجرای طرح ساماندهی عشایر به سکونت دائمی و پایدار آنها از بُعد اقتصادی - اجتماعی منجر نشده است».

### روش‌شناسی

برای آزمون فرضیه فوق پژوهش کاربردی حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به ارزیابی<sup>(۵)</sup> پس‌رویدادی و بررسی تطبیقی کانون‌های اسکان گُشتر، چلگرد و شرمک در استان چهارمحال و بختیاری پرداخته است. رویکرد به ارزیابی در این پژوهش بررسی تأثیر<sup>(۶)</sup> و پیامد<sup>(۷)</sup> برنامه اسکان عشایر است که عمدتاً ناظر بر تغییرات زندگی جامعه مورد بررسی در سطح خانواده و اجتماع و تحول رفتار فضایی آنها می‌باشد (کیاکجوری، ۱۳۶۶: ۶۶). برای ارزیابی پیامدهای اسکان و دستیابی به اهداف پژوهش، از الگوی مقایسه وضعیت و تغییرات قبل و بعد جامعه مورد بررسی استفاده شده است (همان: ۵۱ و ۵۶: UNDP, 2002).

در تبیین متغیرهای تحقیق از پیشینه موضوع و مشاهدات میدانی بهره‌گیری شده و متغیرهایی نظیر درآمد، اشتغال، مهاجرت و میزان برخورداری عشایر اسکان‌یافته از امکانات و خدمات مورد نیاز مد نظر بوده‌اند. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۴۰ تن سرپرستان خانوارهای عشایر اسکان‌یافته در کانون‌های اسکان مذکور است<sup>(۸)</sup>. حجم نمونه محاسبه شده بر اساس فرمول کوکران ۱۲۴ تن است. اما برای اطمینان بیشتر از ۱۳۰ تن به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و به طور مستقیم پرسشگری به عمل آمده است<sup>(۹)</sup>. حجم نمونه محاسبه شده بر مبنای روش نسبت‌گیری (بر حسب جمعیت اسکان یافته در هر شهرک)، ۳۰ تن در شرمک، ۸۰ تن در چلگرد، و ۲۰ تن در گُشتر توزیع شده است. برای تبیین و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی، جهت مقایسه سه گروه اسکان‌یافته در شهرک‌های عشایری مورد بررسی از آزمون تطبیقی کروسکال-والیس<sup>(۱۰)</sup> و برای آزمون فرضیه تحقیق از ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن بهره‌گیری شده است.

### شاخص‌های کالبدی

یکی از مشکلاتی که نوآبادی‌های عشایری با آن مواجه هستند، ناپایداری آنها از نظر موقعیت طبیعی و محل استقرار است. به گونه‌ای که بخش قابل توجهی از این سکونتگاه‌ها در عرصه‌هایی احداث شده‌اند که در معرض خطر زلزله، زمین‌لغزش، سیل، بهم‌ن و مانند آن قرار دارند. متأسفانه در احداث شهرک‌های عشایری مورد بررسی نیز به این مهم توجه کافی نشده و مطالعات موجود در این رابطه بسیار ضعیف‌اند.

از نظر موقعیت طبیعی هر سه سکونتگاه مورد بررسی در این پژوهش در مناطق کوهستانی استان و در ارتفاعات زاگرس واقع شده‌اند. اما از نظر تیپ، سکونتگاه شرمک از نوع دامنه‌ای منتهی به دره است و در یکی از کرانه‌های رودخانه بازفت واقع شده است. از این رو نزدیکی به رودخانه یکی از امتیازات آن محسوب می‌شود. اما برخی از واحدهای مسکونی که در مجاورت رودخانه ساخته شده‌اند در معرض خطر سیل قرار دارند. از نظر دفعات تکرار سکنه شرمک شاهد ۳ سیل و ۲ زلزله در سال‌های اخیر بوده‌اند. شهرک عشایری چلگرد تیپ سکونتگاهی دامنه‌ای منتهی به دشت دارد. از نظر خطرات طبیعی نظیر بهم‌ن، ریزش کوه و... موقعیت سکونتگاه مناسب ارزیابی می‌گردد. اما سرمای سخت زمستان و وجود بادهای شدید در محل از جمله مواردی هستند که به عنوان عوامل منفی ذکر شده‌اند. این مسئله به ویژه از نگاه عشایر که بر حسب عادت، زمستان‌ها به منطقه گرمسیری خوزستان کوچ می‌کردند، مشکل قابل توجهی به شمار می‌آید. گستر در دیناران در دشتی مرتفع واقع شده که اطراف آن را کوه‌های مرتفعی احاطه کرده‌اند. از نظر خطرات طبیعی، وقوع سیل و ریزش کوه به ترتیب با فراوانی ۸ و ۴ مرتبه در سال‌های اخیر، از معضلات این شهرک به شمار می‌آیند. این نکته حتی در مطالعات مکان‌یابی شهرک نیز قید شده و با وجود سیل‌گیر بودن محل، بر احداث شهرک تأکید شده است (شرکت مشاور محکم کار: ۱).<sup>(۱۱)</sup>

از نظر برخورداری و دسترسی به خدمات گوناگون نیز تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین شهرک‌های مذکور وجود دارد. برای نمونه شرمک فاقد آب لوله‌کشی و برق است و اهالی ناچارند برای اکثر خدمات مورد نیاز مسافتی ۴۵ کیلومتری را تا مرکز دهستان

(روستای چمن گلی) طی کنند. مجموع امتیاز میزان برخورداری بر حسب خدمات موجود در سکونتگاه، در مورد شهرک یادشده ۲ است. در مقابل شهرک عشایری چلگرد از بخش چشم گیری از خدمات برخوردار است و برای مابقی خدمات نیز با طی مسافت حداکثر ۲ کیلومتر، از امکانات شهر چلگرد استفاده می نماید. از این رو با اغماض از فاصله یادشده میزان برخورداری آن برابر ۱۳ است. در حالی که اکثر خانه های عشایر اسکان یافته در چلگرد دارای اشتراک تلفن هستند، شرمک فاقد مرکز مخابرات عمومی است. گشت و وضعیتی بینابین دارد و برخورداری آن از خدمات مورد نیاز ۶ است و به بسیاری از خدمات نیز با فواصل کمتری در مقایسه با شرمک دسترسی دارد (جدول ۱).

جدول ۱- برخورداری و دسترسی سکونتگاه های مورد بررسی به خدمات مورد نیاز

فاصله تا نزدیک ترین:	شرمک		چلگرد		لشتر	
	کیلومتر	نام محل	کیلومتر	نام محل	کیلومتر	نام محل
مدرسه ابتدایی	۰	در شهرک	۰	در شهرک	۰	در شهرک
مدرسه راهنمایی	۴۵	چمن گلی	۲	چلگرد	۷	قراب
دبیرستان	۴۵	چمن گلی	۲	چلگرد	۷	قراب
مرکز مخابرات	۴۵	چمن گلی	۲	چلگرد	۰	در شهرک
خانه بهداشت	۴۵	چمن گلی	۲	چلگرد	۱۲	گرده پینه
درمانگاه	۴۵	چمن گلی	۲	چلگرد	۶۵	اردل
مرکز خدمات کشاورزی	۴۵	چمن گلی	۲	چلگرد	۶۵	اردل
مرکز خدمات دامپزشکی	۴۵	چمن گلی	۲	چلگرد	۶۵	اردل
تعاونی عشایری	۴۵	چمن گلی	۰	در شهرک	۰	در شهرک
جایگاه توزیع سوخت	۴۵	چمن گلی	۲	چلگرد	۰	در شهرک
جایگاه توزیع سیلندر گاز	۰	در شهرک	۰	در شهرک	۰	در شهرک
خدمات آب لوله کشی	ندارد		دارد		دارد	
زیربنایی برق	ندارد		دارد		دارد	
میزان برخورداری	۲		۱۳		۶	

مأخذ: یافته های میدانی پژوهش

همچنین برخی خانوارها قبل از اسکان در شهرک، به صورت خودجوش اسکان یافتند و بعداً به اهالی این سکونتگاه‌ها پیوستند. برای نمونه آبادی کیارس علیا که در فاصله ۱۵ کیلومتری شرمک قرار دارد به کلی در آن ادغام شد و ۲ خانوار ساکن آن به منظور دسترسی بهتر به خدمات زیربنایی و رفاهی مورد نیاز بدانجا نقل مکان کردند. ۳۰ خانوار از روستای قاسم‌آباد نیز در فاصله ۷ کیلومتری چلگرد به علت تصرف روستا توسط وزارت نیرو در شهرک عشایری مذکور تجمیع شدند. نظیر همین وضعیت در مورد گشت نیز ملاحظه می‌شود و ۲ خانوار از سکنه آبادی لیمه در ۴۰ کیلومتری محل، به منظور دسترسی به خدمات، در آن ادغام شدند. از این رو می‌توان گفت که فرایند اسکان با درجه‌ای از ادغام و تجمیع آبادی‌ها و روستاها همراه بوده و این مسئله از بعد بلااستفاده ماندن منابع آب و خاک و نیز تبعات اجتماعی-اقتصادی درخور تأمل است.

### شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی

#### منابع اصلی درآمد

نظر به این که معیشت جامعه مورد بررسی مبتنی بر دامداری است و عمده درآمد خانوار از این محل تأمین می‌شود، کاهش تعداد دام و کاهش فعالیت‌های دامداری بدون جایگزین شدن منابع درآمد برابر و مطمئن، موجب تنزل درآمد خانوار و در نتیجه بی‌ثباتی سکونتگاه‌های مورد بحث می‌شود و در قالب جریان‌های مهاجرت دائمی یا فصلی بروز می‌یابد.

در جریان اسکان، تعداد دام جامعه مورد بررسی به شدت کاهش یافته است، به گونه‌ای که میانگین واحد دامی<sup>(۱۲)</sup> خانوارهای مورد بررسی از ۱۱۶ در قبل از اسکان به ۳۱ واحد دامی پس از آن رسیده است. قبل از اسکان ۵۶ درصد پاسخگویان بیش از ۱۰۰ واحد دامی و حدود ۳۳ درصد ایشان نیز ۱۰۰-۵۱ واحد دامی داشتند. اما پس از اسکان حدود ۱۱ درصد پاسخگویان فاقد واحد دامی بوده و حدود ۷۱ درصد آنها حداکثر تا ۵۰ واحد دامی دارند.<sup>(۱۳)</sup> این رقم در مورد شرمک و گشت به ترتیب ۱۰۰ و ۹۵ درصد می‌باشد که گویای تنزل شدید دام در سکونتگاه‌های یادشده نسبت به چلگرد

است (جدول ۲). نتیجه آزمون تطبیقی کروسکال-والیس بیانگر آن است که قبل از اسکان بین سه گروه آماری از نظر تعداد واحد دامی اختلاف معنی داری (با ضریب اطمینان ۹۹ درصد) وجود داشته است. اما پس از اسکان در این زمینه اختلاف چشم‌گیری مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر اسکان علاوه بر کاهش تعداد واحد دامی هر سه گروه، موجب همسانی بیشتر وضعیت آنها از این لحاظ شده است.

جدول ۲- توزیع پاسخگویان بر حسب تعداد واحد دامی به تفکیک شهرک‌های عشایری (درصد)

شهرک	چلگرد		شَرَمک		لَشتر		جمع	
	قبل از اسکان	بعد از اسکان	قبل از اسکان	بعد از اسکان	قبل از اسکان	بعد از اسکان	قبل از اسکان	بعد از اسکان
۰	۰	۱۶/۳	۰	۰	۰	۵	۰	۱۰/۸
۱-۵۰	۶/۳	۵۳/۸	۱۶/۷	۱۰۰	۲۰	۹۵	۱۰/۸	۷۰/۸
۵۱-۱۰۰	۲۲/۵	۲۶/۳	۴۶/۷	۰	۵۵	۰	۳۳/۱	۱۶/۲
۱۰۱-۱۵۰	۳۸/۷	۳/۸	۲۳/۳	۰	۲۰	۰	۲۳/۳	۲/۳
۱۵۱-۲۰۰	۱۸/۷	۰	۶/۷	۰	۵	۰	۱۳/۸	۰
بیشتر از ۲۰۰	۱۳/۸	۰	۶/۷	۰	۰	۰	۱۰	۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های میدانی پژوهش

سطح معنی داری محاسبه شده بر اساس آزمون کروسکال-والیس:

$$\text{قبل از اسکان} = ۰/۰۰۰ = \text{بعد از اسکان} = ۰/۱۸۵$$

از جمله شاخص‌های مورد نظر در سنجش تغییرات درآمد خانوارهای مورد بررسی، میزان اراضی زراعی آبی ایشان است. به دلیل کوهستانی بودن منطقه و محدودیت گسترش سطح زیرکشت با سرمایه‌گذاری و تجهیز منابع موجود، زمینه آبی نمودن دیمزارها و در نتیجه افزایش درآمد عشایر اسکان‌یافته فراهم می‌شود. از این رو انتظار منطقی آن است که در پی کاهش شدید دام و دامداری و درآمدهای ناشی از آن در فرایند اسکان، اقداماتی برای منابع درآمد جایگزین صورت گرفته و تنوع‌بخشی به منابع

درآمد خانوار مورد غفلت مسئولان اجرایی قرار نگرفته باشد. یافته‌های میدانی گویای آن است که سکونتگاه‌های شرمک و لُشتر فاقد اراضی زراعی آبی بوده‌اند و در جریان اسکان و پس از آن نیز هیچ اقدامی برای آبی کردن اراضی صورت نگرفته است. تنها در چلگرد حدود ۷۶ درصد پاسخگویان پیش از اسکان زمین آبی داشته‌اند که این میزان با تفاوتی اندک به حدود ۶۹ درصد پس از اسکان رسیده است. الگوی مالکیت حاکم نیز خرده‌مالکی است، به گونه‌ای که میانگین اراضی آبی پاسخگویان ۱/۱ هکتار است. حدود ۳۹ درصد پاسخگویان کمتر از یک هکتار زمین آبی دارند و حدود ۶۱ درصد آنها حداکثر تا ۲ هکتار زمین آبی دارند. این مقدار زمین محدود آبی نیز به شدت پراکنده و دچار مشکل تعدد قطعات است، به گونه‌ای که اراضی حدود ۴۵ درصد پاسخگویان در ۲ الی ۷ قطعه پراکنده می‌باشد. نتایج آزمون کروسکال-والیس نیز مؤید یافته‌های فوق است و وجود اختلاف معنی‌دار (با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰) برای قبل و بعد از اسکان و ضریب اطمینان ۹۹ درصد) بین سه گروه را از نظر اراضی زراعی آبی تأیید می‌کند.

میانگین اراضی دیم پاسخگویان حدود ۰/۵ هکتار است که نسبت به پیش از اسکان ثابت مانده است. همچنین نسبت خانوارهای فاقد زمین دیم از حدود ۴۴ درصد پیش از اسکان به حدود ۴۸ درصد پس از آن رسیده است. این میزان برای چلگرد بالغ بر ۶۶ درصد خانوارهای مورد بررسی می‌شود. علاوه بر این حدود ۳۵/۵ درصد پاسخگویان پس از سکونت در شهرک‌های مورد بحث کمتر از ۱ هکتار زمین زراعی دیم دارند. به عبارت بهتر حدود ۸۳ درصد خانوارهای مورد بررسی یا فاقد زمین دیم هستند و یا زیر یک هکتار زمین دارند. این میزان در مورد چلگرد به حدود ۸۸ درصد می‌رسد. مقایسه بین سه گروه از جنبه وسعت اراضی دیم، وجود اختلاف معنی‌دار بین آنها را با ضریب اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌کند. در مورد اراضی دیم نیز مشکل پراکندگی و تعدد قطعات زراعی وجود دارد. به گونه‌ای که اراضی دیم ۳۳ درصد پاسخگویان در ۲ الی ۴ قطعه پراکنده شده است. این میزان برای چلگرد، شرمک و لُشتر به ترتیب ۱۲/۶، ۶۰ و ۷۵ درصد می‌باشد.

### امکانات رفاهی - تولیدی

از دیگر ملاک‌های ارزیابی تغییرات درآمد خانوار که در عین حال تا حد زیادی تغییرات الگوی مصرف و هزینه خانوارهای مورد بررسی را نیز شفاف می‌سازد، میزان برخورداری ایشان از برخی امکانات رفاهی و تولیدی است. از این لحاظ بین سه سکونتگاه مورد بحث تفاوت‌های درخور توجهی وجود دارد. برای نمونه در حالی که در شرمک در گذشته و حال هیچ یک از خانوارها دارای تراکتور نبودند، در چلگرد این میزان از حدود ۲۱ به ۲۷/۵ درصد افزایش یافته و بالعکس در گُشتر از ۱۵ به ۵ درصد کاهش یافته است. این کاهش بیشتر ناشی از تشدید فقر و نیاز مالی خانوارهای مورد بررسی است.

به غیر از تراکتور که علاوه بر شخم اراضی زراعی جهت حمل و نقل و جابجایی بار از آن استفاده می‌شود، سایر ماشین‌آلات کشاورزی چندان رواج نیافته است. امکاناتی چون اتومبیل سواری، وانت و موتورسیکلت نیز که سنجه‌های مناسبی برای ثروت و درآمد خانوار هستند، افزایش چندانی نسبت به پیش از اسکان نداشته‌اند، هر چند تعداد پاسنخگویان دارای موتورسیکلت از ۵/۴ به ۹/۲ درصد رسیده است. امکانات رفاهی خانه بهبود نسبی و در برخی موارد شایان توجه یافته است. برای مثال تعداد خانوارهای دارای یخچال از ۱/۵ به ۶۰ درصد رسیده است. این میزان در شرمک به دلیل نداشتن برق صفر است. تعداد خانوارهای دارای اجاق گاز نیز افزایش چشم‌گیری داشته و از ۰/۸ درصد به حدود ۸۹ درصد رسیده است (جدول ۳). در مجموع از بعد میزان برخورداری از امکانات تولیدی هر سه شهرک در محرومیت به سر می‌برند و وضعیت شرمک وخیم‌تر از چلگرد و گُشتر است. از بعد امکانات حمل و نقل نیز وضع به همین منوال است و پاسنخگویان هر سه سکونتگاه کمابیش وضعیت مشابهی دارند. اما از حیث امکانات رفاهی و به ویژه وسایل منزل شرمک محروم‌تر از همه است و چلگرد به طور نسبی بهترین وضعیت را دارد.



جدول ۳- توزیع پاسخگویان بر حسب برخورداری از امکانات به تفکیک شهرک‌های عشایری (درصد)

شهرک امکانات	زمان	چلگرد		شَرمک		لُشتر		جمع	
		قبل از اسکان	بعد از اسکان	قبل از اسکان	بعد از اسکان	قبل از اسکان	بعد از اسکان	قبل از اسکان	بعد از اسکان
تراکتور		۲۱/۳	۲۷/۵	۰	۰	۱۵	۵	۱۵/۴	۱۷/۷
خرمن کوب		۶/۳	۱۲/۵	۰	۰	۱۵	۵	۶/۲	۸/۵
سواری		۰	۲/۵	۰	۰	۰	۰	۰	۱/۵
وانت		۵	۱/۳	۰	۱۰	۰	۰	۳/۱	۳/۱
موتورسیکلت		۶/۳	۱۰	۰	۶/۷	۱۰	۱۰	۵/۴	۹/۲
یخچال		۱/۳	۷۸/۸	۰	۰	۵	۷۵	۱/۵	۶۰
اجاق گاز		۱/۳	۹۸/۸	۰	۶۶/۷	۰	۸۵	۰/۸	۸۹/۲
تلویزیون		۵	۹۸/۸	۰	۳/۳	۵	۶۰	۳/۹	۷۰/۷
رادیو		۹۱/۳	۹۰	۸۳/۳	۸۶/۷	۸۰	۸۵	۸۷/۷	۸۸/۵
ضبط صوت		۶۲/۵	۷۵	۲۳/۳	۴۳/۳	۲۵	۴۵	۴۷/۷	۶۳/۱
چراغ توری		۸۰	۴۰	۷۳/۳	۹۰	۱۰۰	۸۰	۸۱/۵	۵۷/۷

مأخذ: یافته‌های میدانی پژوهش

### اشتغال

اشتغال و تغییرات آن از بُعد اقتصادی ناظر بر درآمد خانوار است، و به طور منطقی درگیر بودن هر چه بیشتر خانوار در مشاغل و فعالیت‌های رسمی یا غیر رسمی و وظایف متعدد کشاورزی و دامداری منجر به افزایش درآمد خانواده خواهد شد. از بُعد اجتماعی، اشتغال موجب نظم‌بخشی به روابط اجتماعی در جامعه مورد بررسی می‌شود و روی دیگر سکه که همان بیکاری است، به بروز تنش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی می‌انجامد. ارزیابی تغییرات میزان بیکاری از دید جنسیتی گویای آن است که حدود ۸۶ درصد پاسخگویان معتقد بودند که میزان بیکاری زنان خیلی افزایش یافته است. این میزان در مورد لُشتر به ۱۰۰ درصد می‌رسد. در مورد مردان نیز حدود ۶۴ درصد معتقد به افزایش بیکاری نسبت به قبل از اسکان بودند. این رقم برای چلگرد ۷۵ درصد پاسخگویان را

در بر می‌گیرد (جدول ۴). مقایسه سه گروه از طریق آزمون کروسکال-والیس بیانگر نبود اختلاف معنی‌دار آماری از نظر تغییرات بیکاری مردان و زنان نسبت به گذشته است. به بیان دیگر پاسخگویان هر سه سکونتگاه اسکان را به یک اندازه در افزایش بیکاری مؤثر می‌دانستند.

شاخص دیگری که برای سنجش وضعیت اشتغال خانوارهای مورد بررسی مد نظر بوده است، میزان بهره‌گیری از نیروی کار خانوار (زنان و کودکان) در فعالیت‌های دامداری، زراعت و صنایع دستی است. ۱۰۰ درصد پاسخگویان معتقد بودند که استفاده از نیروی کار خانوار در زمینه دامداری نسبت به قبل از اسکان کاهش یافته است. اما در مورد زراعت حدود ۴۷ درصد پاسخگویان معتقد به کاهش بهره‌گیری از نیروی کار خانوار و حدود ۵۲ درصد قائل به عدم تغییر این میزان بودند. در زمینه صنایع دستی نیز ۱۰۰ درصد پاسخگویان معتقد به کاهش استفاده از نیروی کار خانوار بودند. نتایج آزمون تطبیقی کروسکال-والیس نشانگر عدم وجود اختلاف معنی‌دار آماری بین سه گروه در زمینه بهره‌گیری از نیروی کار خانوادگی در دامداری است. به بیان دیگر اسکان تأثیر یکسانی در این رابطه داشته است. اما در مورد زراعت و صنایع دستی بین پاسخگویان سه گروه اختلاف معنی‌دار (با ضریب اطمینان ۹۹ درصد) مشاهده می‌شود. بدین ترتیب کاهش تعداد دام خانوارها علاوه بر این که از درگیری نیروی کار خانوادگی در فعالیت‌های مستقیم مرتبط با دامداری کاسته، به واسطه کمبود تولید مواد اولیه به ویژه پشم، موجب کاهش تولید صنایع دستی عشایری (مانند قالی، گلیم، و جاجیم) شده است. نبود بازار مناسب فروش و فقدان سازوکارهای حمایتی از تولید صنایع دستی عشایر نیز مزید بر علت شده است.

جدول ۴- تغییرات بیکاری از دید پاسخگویان، برحسب جنسیت و به تفکیک شهرک‌های عشایری (درصد)

شهرک	چلگرد		شَرَمک		لُشتر		جمع	
	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
خیلی افزایش یافته	۲۳/۷	۸۲/۵	۶۰	۸۶/۷	۴۵	۱۰۰	۳۵/۴	۸۶/۲
افزایش یافته	۷۵	۱۷/۵	۴۰	۱۳/۳	۵۵	۰	۶۳/۸	۱۳/۸
فرقی نکرده	۱/۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۸	۰
کاهش یافته	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
خیلی کاهش یافته	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

ماخذ: یافته‌های میدانی پژوهش

سطح معنی‌داری محاسبه شده بر اساس آزمون کروسکال-والیس: مردان = ۰/۳۰۷، زنان = ۰/۱۲۵

### شاخص‌های مکانی - فضایی

از بعد مکانی - فضایی فقدان اشتغال و درآمد کافی در محل به صورت مهاجرت‌های دائمی یا فصلی جمعیت به سایر مراکز (شهری - روستایی) نمود می‌یابد که ضمن تخلیه جمعیتی سکونتگاه‌های مورد بررسی از نیروی فعال و جوان به ویژه در فصل زمستان، مسائل اجتماعی خاص جوامع مهاجرفرست را بر جامعه مورد بررسی تحمیل می‌کند. علاوه بر این، بسیاری از مشکلات حل نشده در مبداء به شکل تصاعدی در قالب بحران‌های اجتماعات شهری نظیر حاشیه‌نشینی و مشاغل کاذب در شهرهای مهاجرپذیر بروز می‌یابد.

### جابجایی فصلی جمعیت

یافته‌های پژوهش گویای آن است که حدود ۶۹ درصد پاسخگویان معتقد بودند که پس از اسکان میزان مهاجرت‌های فصلی افزایش یافته است. این میزان برای چلگرد، شَرَمک و لُشتر به ترتیب ۷۱/۳، ۶۳/۳ و ۷۰ درصد است. در عین حال، از دید حدود ۱۵/۵ درصد پاسخگویان مهاجرت فصلی نسبت به گذشته فرقی نکرده است. این نکته نشانگر

آن است که در گذشته نیز عواملی نظیر افزایش جمعیت، فقر و ظرفیت‌های اشتغال محدود در منطقه جریان مهاجرت فصلی به مراکز شهری را به وجود آورده است که پس از اسکان شدت بیشتری یافته است. نتایج آزمون تطبیقی کروسکال-والیس نبود اختلاف معنی دار بین سه گروه را در این زمینه نشان می‌دهد. به عبارت دیگر روند افزایش مهاجرت‌های فصلی در هر سه سکونتگاه از الگوی واحدی تبعیت می‌کند (جدول ۵).

جدول ۵- توزیع پاسخگویان برحسب مقصد مهاجرت فصلی به تفکیک شهرک‌های عشایری

مقصد	شهرک		چلگرد		شرمک		لُشتر		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
-	۱۸	۲۲/۵	۱۰	۳۳/۴	۷	۳۵	۳۵	۲۶/۸		
اصفهان	۳۳	۴۱/۳	۱	۳/۳	۵	۲۵	۳۹	۳۰		
اهواز	۴	۵	۵	۱۶/۷	۲	۱۰	۱۱	۸/۴		
اصفهان- اهواز	۱۵	۱۸/۷	۶	۲۰	۲	۱۰	۲۳	۱۷/۷		
اصفهان- اهواز- مسجد سلیمان	۵	۶/۳	۳	۱۰	۲	۱۰	۱۰	۷/۷		
اهواز- بوشهر- بندر عباس	۳	۳/۷	۱	۳/۴	۱	۵	۵	۳/۹		
اصفهان- اهواز- تهران	۰	۰	۳	۹/۹	۰	۰	۳	۲/۴		
اهواز- شهرکرد- فارسان	۰	۰	۱	۳/۳	۱	۵	۲	۱/۶		
بی‌پاسخ	۲	۲/۵	۰	۰	۰	۰	۲	۱/۵		
جمع	۸۰	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰		

ماخذ: یافته‌های میدانی پژوهش

بر این اساس، حدود ۲۷ درصد پاسخگویان برای کار به مراکز شهری مراجعه نمی‌کنند. این رقم در مورد شرمک ۳۵ و برای چلگرد ۲۲/۵ درصد می‌باشد. بررسی فراوانی مراجعه پاسخگویان به مراکز شهری متعدد، نشان‌دهنده آن است که جریان مهاجرت فصلی تحت تأثیر مناطق و مراکز ذیل قرار دارد:

- **کلان‌شهر اصفهان:** اصفهان به عنوان یکی از قطب‌های اقتصادی مهم و همجوار با سرزمین بختیاری که از دیرباز یکی از کانون‌های مراودات و مبادلات تجاری عشایر منطقه بوده، به تنهایی ۳۰ درصد پاسخگویان را در جریان مهاجرت‌های فصلی جذب کرده است. با این حال، شهرک‌های مورد بررسی به نسبت موقعیت جغرافیایی خویش مراجعات متفاوتی به اصفهان دارند، به گونه‌ای که ۴۱ درصد پاسخگویان در چلگرد به اصفهان مراجعه می‌کنند، اما این میزان در مورد شرمک به ۳/۳ درصد کاهش می‌یابد.
  - **اهواز:** این شهر به عنوان مرکز استان و کانون فعالیت‌های اقتصادی مجاور با عرصه گرمسیری عشایر مورد بررسی، حدود ۸/۵ درصد پاسخگویان را در مهاجرت‌های فصلی به خود جذب می‌کند. این میزان در مورد شرمک بیش از همه بوده و حدود ۱۷ درصد پاسخگویان را در بر می‌گیرد. به نظر می‌رسد سکنه شرمک به لحاظ موقعیت جغرافیایی مراودات بیشتری با خوزستان به ویژه شهر اهواز دارند.
  - **اصفهان- اهواز:** ۱۷/۷ درصد پاسخگویان بخشی از ایام سال را برای کار و کسب درآمد به یکی از این دو شهر مراجعه می‌کنند. این میزان در شرمک به ۲۰ درصد می‌رسد.
  - **سایر مراکز شهری:** حدود ۱۵/۵ درصد پاسخگویان در مراجعات خویش برای کار علاوه بر مراجعه به اصفهان و اهواز به شهرهایی نظیر مسجد سلیمان، بوشهر، بندرعباس، تهران، شهرکرد و فارسان نیز می‌روند.
- از نظر زمان مهاجرت فصلی، عمده پاسخگویان اواخر پاییز، زمستان و اوایل بهار را برای مراجعه به مراکز شهری انتخاب می‌کنند. برخی افراد فاقد زمین زراعی و دام تقریباً در تمام طول سال بین شهرک و مراکز شهری در رفت و آمدند. مدت اقامت و کار در شهر معمولاً ۱ تا ۲ ماه به طول می‌انجامد و فرد پس از مراجعه به منزل و انجام برخی امور خانه و خانواده طی اقامتی حدوداً یک ماهه مجدداً عازم مراکز شهری می‌شود. وجود سرمایه اجتماعی غنی در قالب روابط تنگاتنگ خانوادگی و روحیه تعاون موجب می‌شود که در نبود سرپرست خانوار، خانواده وی تحت حمایت افراد

فامیل باشند. اما بسیاری از پاسخگویان از مشکلات ناشی از دوری از خانواده ابراز ناراحتی می‌کردند. حدود ۹۸ درصد افرادی که اقدام به مهاجرت فصلی به مراکز شهری می‌کنند در مقصد به کارگری ساده اشتغال دارند و متوسط درآمد روزانه آنان برابر ۴۰۰۰ تومان است.

اسکان به مفهوم تغییر شیوه معیشت از دامداری عشایری به زراعت همراه با دامداری بسته چندان محقق نشده است. فقدان زمین‌های اشتغال و درآمد جایگزین، به نحوی که بتواند به تثبیت جمعیت مدد رساند، بخشی از خانوارها را از کوچ‌رو به نیمه‌کوچ‌رو تبدیل کرده است. بیشترین میزان استمرار کوچ‌روی در شهرک عشایری چلگرد وجود دارد. به گونه‌ای که بین ۱ تا ۴ تن از اعضای خانوار حدود ۶۶ درصد پاسخگویان در فصل قشلاق به عرصه‌های گرمسیری کوچ می‌کنند. این میزان در لُشتر ۳۵ درصد است. در حالی که در شرمک هیچ‌یک از خانوارهای مورد بررسی کوچ نمی‌کنند و کاملاً اسکان یافته‌اند. استمرار کوچ‌روی تا حد زیادی تحت تأثیر عوامل اقلیمی، و دارایی‌های پاسخگویان (اعم از زمین زراعی و مرتع) در قلمرو گرمسیری است. بدین لحاظ عشایر چلگرد که در گرمسیر دارای مراتع مناسب و اراضی زراعی هستند، هنوز کوچ گرمسیری را ادامه می‌دهند. اما عشایر اسکان‌یافته در شرمک که در قشلاق مرتع ندارند و معمولاً از دیگران اجاره می‌کنند و اراضی زراعی قابل توجهی نیز ندارند، دلیلی بر ادامه کوچ‌روی ندارند. علاوه بر این، شرایط آب و هوایی بازفت در زمستان بسیار قابل تحمل‌تر از لُشتر و چلگرد است. نتایج آزمون کروسکال-والیس در مقایسه گروه‌های سه‌گانه تحقیق از نظر میزان استمرار کوچ‌روی گویای وجود اختلاف معنی‌دار (با ضریب اطمینان ۹۹ درصد) بین عشایر اسکان‌یافته در شهرک‌های مورد بررسی و مؤید مطالب فوق است. آن دسته از خانوارهایی که هنوز کوچ‌روی می‌کنند، با اتخاذ راهبرد تقسیم‌کار، تعدادی از اعضای خویش را به همراه دام به گرمسیر گسیل می‌دارند تا بدین طریق از هزینه تأمین علوفه زمستانی برای دام‌های خویش بکاهند. ریشه داشتن کوچ در فرهنگ و سنت جامعه عشایری، فقر شدید، ناتمام بودن برخی خانه‌ها و در نتیجه نامناسب بودن آنها برای سکونت در شرایط زمستان، از عواملی

هستند که موجب استمرار کوچ تعدادی از خانوارهای فاقد دام در قالب خوش‌نشینی شده‌اند.

### مهاجرت دائمی

محدودیت توان‌های اشتغال و درآمد و کمبود خدمات ضروری به همراه روند رو به تزاید مهاجرت‌های فصلی به نوبه خود موجب تشدید مهاجرت دائمی می‌شوند. در این ارتباط بین سه شهرک مورد بررسی تفاوت چشم‌گیری ملاحظه می‌شود که با توجه به شرایط متفاوت اقلیمی، سطح ناهمگون برخورداری از خدمات و وضعیت اقتصادی خانوارهای اسکان‌یافته قابل بررسی است. در شهرک عشایری چلگرد که سطح اقتصادی و برخورداری از خدمات بالاتری نسبت به شرمک و لُشتر دارد، حدود ۳۴ درصد پاسخگویان معتقد به کاهش جریان مهاجرت دائمی به شهر بودند و از دید ۳۲/۵ درصد ایشان از این نظر تفاوتی نسبت به گذشته حاصل نشده است. اما ۳۲/۵ درصد معتقد به افزایش این روند بودند. این میزان در مورد شرمک و لُشتر به ترتیب به ۵۶/۵ و ۴۰ درصد می‌رسد که شاید ناشی از مهاجرفرستی بیشتر آنها نسبت به چلگرد باشد. نتایج آزمون کروسکال-والیس در مقایسه سه گروه آماری از نظر میزان مهاجرت دائمی گویای وجود اختلاف معنی‌دار (با ضریب اطمینان ۹۹ درصد) بین عشایر اسکان‌یافته در شهرک‌های مورد بررسی و مؤید مطالب فوق است. بررسی‌های میدانی گویای آن است که ۴۳ تن از بستگان درجه اول پاسخگویان (چلگرد ۱۶، شرمک ۱۹، لُشتر ۸ تن) به سایر نقاط (مراکز شهری) مهاجرت دائم نموده‌اند. از این تعداد حدود ۳۲/۵ درصد به اهواز، حدود ۱۸/۵ درصد به اصفهان، و حدود ۱۶ درصد به شهرکرد مهاجرت کرده‌اند. بنابراین مهاجرت‌های دائمی نیز تا حد زیادی از الگوی مهاجرت فصلی تبعیت می‌کند. در راستای ارزیابی میزان مهاجرفرستی و روند آن در آینده، میزان تمایل پاسخگویان به مهاجرت و زندگی در شهر نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در این زمینه بین سه شهرک عشایری تفاوت‌هایی ملاحظه می‌شود. در چلگرد حدود ۵۱ درصد پاسخگویان در حد زیاد تا خیلی زیاد گرایش به مهاجرت و زندگی در شهر داشتند. این میزان در

مورد شرمک حدود ۴۷ درصد و برای لُشتر ۳۰ درصد است. در لُشتر تمایل ۶۰ درصد پاسخگویان برای زندگی در مراکز شهری در حد خیلی کم و کم است (جدول ۶).

جدول ۶- توزیع پاسخگویان برحسب گرایش به مهاجرت به شهر به تفکیک شهرک‌های عشایری

شهرک گزینه‌ها	چلگرد		شرمک		لُشتر		جمع	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
خیلی کم	۱۲	۱۵	۶	۲۰	۷	۳۵	۲۵	۱۹/۲
کم	۱۸	۲۲/۵	۷	۲۳/۳	۵	۲۵	۳۰	۲۳/۱
متوسط	۸	۱۰	۳	۱۰	۲	۱۰	۱۳	۱۰
زیاد	۲۳	۲۸/۷	۳	۱۰	۳	۱۵	۲۹	۲۲/۳
خیلی زیاد	۱۸	۲۲/۵	۱۱	۳۶/۷	۳	۱۵	۳۲	۲۴/۶
بی پاسخ	۱	۱/۳	۰	۰	۰	۰	۱	۰/۸
جمع	۸۰	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۳۰	۱۰۰

ماخذ: یافته‌های میدانی پژوهش

(سطح معنی داری محاسبه شده بر اساس آزمون کروسکال-والیس = ۰/۱۴۸)

بنابراین یافته‌های توصیفی فرضیه فوق را تأیید می‌کند و می‌توان قضاوت نمود که از ابعاد گوناگون کالبدی، اجتماعی-اقتصادی، و مکانی-فضایی، اسکان عشایر به سکونت دائمی و پایدار آنها منجر نشده است. در سطح تحلیل نیز بین برخی متغیرهای پژوهش ارتباط معنی دار آماری وجود دارد که با استفاده از ضرایب همبستگی اسپیرمن و پیرسون مورد آزمون قرار گرفتند و صحت فرضیه فوق را به اثبات رساندند (جدول ۷). ناکافی بودن تسهیلات بانکی اعطا شده به پاسخگویان و ضرورت ساخت مسکن موجب شد تا عشایر بخش قابل توجهی از دام خویش را فروخته و به احداث خانه اختصاص دهند. بنابراین آن دسته از خانوارهایی که توانایی مالی و دام بیشتری داشتند، موفق شدند تعدادی از دام‌های خود را حفظ کنند و از لحاظ اقتصادی امکان ترمیم وضعیت خویش را در آینده داشته باشند. این گروه همچنین خانه‌هایشان را طی زمانی



قابل قبول و با کیفیت بهتر (از نظر مصالح، زیربنا، تعداد اتاق و مانند آن) احداث کردند. اما خانوارهایی که پیش از اسکان وضعیت اقتصادی نامطلوب و دام اندکی داشتند، تمام یا بخش عمده دام خویش را از دست دادند و به سادگی امکان جبران آن را نیافتند. این عده در ساخت مسکن نیز توفیق چندانی نداشتند و در بسیاری موارد خانه‌ها را نیمه‌کاره رها و کوچ کردند و در موارد بی‌شماری نیز تنها موفق به احداث یک یا دو اتاق و سکونت در آن شدند. از این رو، «بین تعداد دام کوچک قبل از اسکان» و «تعداد اتاق‌های واحد مسکونی» خانوارهای مورد بررسی همبستگی مثبت و معنی‌دار (با ضریب اطمینان ۹۹ درصد) وجود دارد.

جدول ۷- ضریب همبستگی متغیرهای مرتبط با فرضیه دوم پژوهش

ردیف	متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
۱	تعداد دام کوچک قبل از اسکان	تعداد اتاق‌های واحد مسکونی	۰.۲۸۰	۰.۰۰۱
۲	کاهش تعداد واحد دامی	بیکاری مردان	۰.۳۷۹	۰.۰۰۰
۳	کاهش تعداد واحد دامی	بیکاری زنان	۰.۲۸۱	۰.۰۰۱
۴	کاهش تعداد واحد دامی	بهره‌گیری از نیروی کار خانوار در صنایع دستی	-۰.۱۷۳	۰.۰۴۹
۵	سن	مهاجرت فصلی	-۰.۳۹۶	۰.۰۰۰
۶	سنوات اسکان	مهاجرت فصلی	۰.۲۲۸	۰.۰۱۰
۷	کاهش تعداد واحد دامی	مهاجرت فصلی	۰.۲۱۸	۰.۰۱۳
۸	مهاجرت فصلی	گرایش به زندگی در شهر	۰.۵۰۳	۰.۰۰۰
۹	تعداد واحد دامی بعد از اسکان	استمرار کوچروی	۰.۴۶۳	۰.۰۰۰
۱۰	میزان برخورداری از خدمات	گرایش به مهاجرت (زندگی در شهر)	۰.۲۷۱	۰.۰۰۲

مأخذ: یافته‌های میدانی پژوهش

از برقراری رابطه بین «کاهش تعداد واحد دامی» و «بیکاری مردان» مشخص می‌شود که بین دو متغیر همبستگی مثبت و معنی‌دار (با ضریب اطمینان ۹۹ درصد) وجود دارد. نظیر همین رابطه در مورد زنان نیز مشاهده می‌شود و بین «کاهش تعداد واحد دامی» و

«بیکاری زنان» رابطه مثبت و معنی دار (با ضریب اطمینان ۹۹ درصد) وجود دارد. به عبارت دیگر کاهش تعداد دام و تنزل فعالیت‌های دامداری منجر به افزایش شدید بیکاری مردان و زنان جامعه مورد بررسی شده است. همچنین از آنجا که صنایع دستی متداول در بین عشایر عمدتاً متکی بر تولیدات دامی، به ویژه پشم است، برقراری رابطه بین «کاهش تعداد واحد دامی» و «بهره‌گیری از نیروی کار خانوار در صنایع دستی» نشان‌دهنده وجود رابطه منفی و معنی دار (با ضریب اطمینان ۹۹ درصد) بین دو متغیر است. یعنی کاهش بیشتر دام عشایر منجر به درگیری کمتر خانوار در تولید صنایع دستی از قبیل گلیم، جاجیم، و چوخوا شده است.

بین متغیرهای «کاهش تعداد واحد دامی» و «مهاجرت فصلی» نیز همبستگی مثبت و معنی دار (با ضریب اطمینان ۹۵ درصد) مشاهده می‌شود. در واقع هر چه کاهش در واحد دامی فرد بیشتر باشد، مهاجرت فصلی وی به سایر نقاط نیز بیشتر است؛ به گونه‌ای که برخی از پاسخگویان فاقد دام تقریباً در تمام طول سال بین سکونتگاه‌های مزبور و شهرهای دیگر رفت و آمد می‌کنند.

بین «سن» پاسخگویان و «مهاجرت فصلی» نیز آزمون همبستگی برقرار شده که گویای وجود رابطه منفی و معنی دار (با ضریب اطمینان ۹۹ درصد) بین دو متغیر است. به بیان دیگر با کاهش سن پاسخگویان، مهاجرت فصلی آنها افزایش می‌یابد. با توجه به این که نمونه تحقیق از میان سرپرستان خانوار بوده و حداقل سن ایشان ۲۵ سال است، مشخص می‌شود که سکونتگاه‌های مورد بررسی در بیشتر ایام سال (به ویژه پاییز و زمستان) نیروی کار جوان خود را از دست می‌دهند.

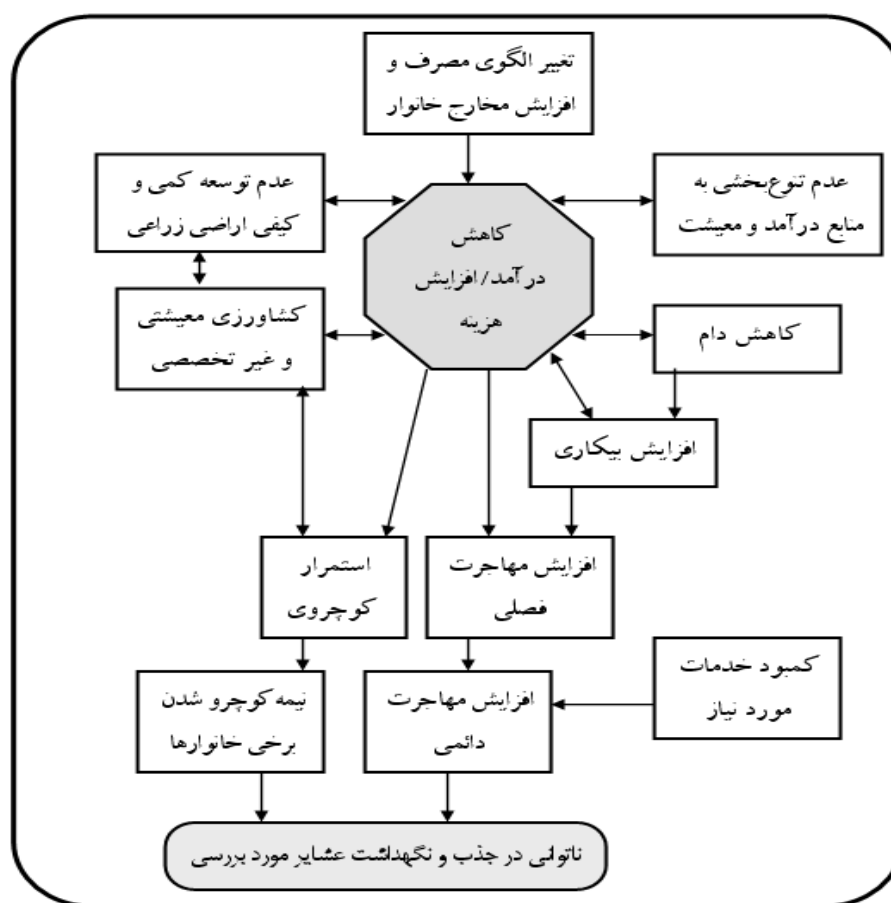
به طور منطقی اگر اسکان طی یک فرایند توسعه همه‌جانبه و درون‌زا، با تمهیداتی در زمینه توسعه خدمات و تنوع‌بخشی به منابع درآمد و معیشت همراه باشد، می‌توان انتظار داشت که پس از طی دوره گذار، جمعیت تثبیت شود یا حداقل با گذشت سال‌های بیشتر، میزان مهاجرت‌های فصلی کاهش یابد. از این رو بر آن شدیم بین دو متغیر یادشده آزمون همبستگی برقرار کنیم. نتیجه برقراری رابطه بین متغیر «سنوات

اسکان» و «مهاجرت فصلی» گویای آن است که بین آنها ارتباط مثبت و معنی‌دار (با ضریب اطمینان ۹۹ درصد) برقرار است. یعنی افزایش سنوات اسکان نه تنها منجر به تثبیت جمعیت نشده، بلکه افزایش مهاجرت فصلی را به دنبال داشته است. این مسئله مبین ناتوانی شهرک‌های مورد بررسی در جذب و نگهداشت عشایر می‌باشد. همبستگی بین «مهاجرت فصلی» و «گرایش به زندگی در شهر» نیز نشانگر وجود ارتباط مثبت و معنی‌دار (با ضریب اطمینان ۹۹ درصد) بین دو متغیر است. به عبارت دیگر افزایش میزان مهاجرت فصلی موجب افزایش گرایش به مهاجرت دائم و زندگی در شهر می‌شود.

شرایط موجود برخی از افراد را به ادامه کوچ‌روی وادار کرده است. اگر این تعداد را که معمولاً نیروی کاری و جوان جمعیت هستند به تعدادی که در همین ایام از سال مهاجرت فصلی می‌کنند، بیفزاییم، ادعای فصلی بودن شهرک‌های عشایری گزاف نخواهد بود. استمرار کوچ‌روی خود تا حد زیادی متأثر از تعداد واحد دامی فرد است. آزمون همبستگی در این مورد نشانگر ارتباط مثبت و معنی‌دار (با ضریب اطمینان ۹۹ درصد) بین «تعداد واحد دامی بعد از اسکان» و «استمرار کوچ‌روی» است. به عبارت بهتر هر چه میزان واحد دامی فرد بیشتر باشد، امکان ادامه کوچ‌روی نیز افزایش می‌یابد. این نکته تلویحاً به معنای عدم انطباق جامعه مورد بررسی با شرایط یکجانشینی و گذار نکردن از نظام دامداری کوچ‌روی به نظام دامپروری مبتنی بر نگهداری دام در فضای بسته با اولویت تغذیه دستی به جای بهره‌گیری از مرتع است.

نتیجه آزمون همبستگی بین «برخورداری از خدمات» و «گرایش به مهاجرت و زندگی در شهر» گویای وجود رابطه مثبت و معنی‌دار (با ضریب اطمینان ۹۹ درصد) بین دو متغیر است. به بیان دیگر با افزایش برخورداری از امکانات، میزان گرایش به مهاجرت و زندگی در شهر افزایش می‌یابد. به اعتقاد نگارنده ارائه امکانات و خدمات بدون فراهم آوردن درآمد و معیشت در بلندمدت به تشدید روند مهاجرفرستی می‌انجامد. بنابراین با تکیه بر یافته‌های توصیفی و نتایج روابط همبستگی برقرار شده

بین متغیرهای فوق فرضیه پژوهش تایید می‌گردد. یعنی اسکان از بعد اقتصادی و اجتماعی سکونت دائمی و پایدار جامعه مورد بررسی را در پی نداشته است (شکل ۲).



شکل ۲- عوامل مؤثر بر ناتوانی شهرک‌های عشایری در جذب و نگهداشت جامعه مورد بررسی

مأخذ: یافته‌های میدانی پژوهش

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اسکان عشایر چهارمحال و بختیاری بیش از آن که تحولی در جهت توسعه همه‌جانبه و درونزای عشایر و مبتنی بر شناخت توانها و محدودیت‌های محیطی- فضایی منطقه باشد، تغییری تک‌بعدی، بروکراتیک و ناظر بر انتقال از چادر به چاردیواری است. چنین فرایندی با کاهش شدید دام به عنوان منبع اصلی درآمد همراه بوده و موجب بیکاری و افزایش مهاجرت‌های فصلی به منظور تامین معاش خانوار شده است. تنوع‌بخشی به منابع معیشت با تکیه بر منابع و توانهای محلی به عنوان راه برون‌رفت از این وضعیت (در قالب آبی نمودن دیمزارها، ترویج کشاورزی مدرن و تخصصی، توسعه و حمایت از صنایع دستی و...) چندان مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین به رغم بهبود نسبی در برخورداری از خدمات مورد نیاز، از این حیث بین سکونتگاه‌های مورد بررسی اختلاف فاحشی وجود دارد. برآیند این مسائل موجب ناتوانی شهرک‌های عشایری مذکور در جذب و نگهداشت عشایر اسکان‌یافته و افزایش گرایش به مهاجرت شده است. در سایه توسعه درونزا و پایدار مناطق عشایری و ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی- رفاهی و تمهید فرصت‌های اشتغال و درآمد، بخشی از مازاد جامعه عشایری تغییر شیوه معیشت داده و اسکان می‌یابند. اما از اسکان عشایر بدون ایجاد تمهیدات مذکور نمی‌توان انتظار توسعه و ایجاد سکونتگاهی با توان نگهداشت جمعیت و مناسب یکجانشینی داشت.

مناطق عشایری استان به دلیل قرار گرفتن در ارتفاعات زاگرس میانی، کوهستانی‌اند و از نظر توسعه اراضی زراعی توان محدودی دارند. حدود ۷۰ درصد مساحت استان مرتع و اراضی جنگلی است و این میزان در مناطق عشایری بسیار بیشتر است. در چنین شرایطی اسکان عشایر منجر به افزایش فشار بر منابع محدود، تشدید فقر، تخلیه جمعیتی سکونتگاه و افزایش مهاجرت‌های فصلی می‌گردد. بنابراین توصیه می‌شود اسکان عشایر از دستور کار خارج و در راهبردها و برنامه‌ریزی‌های توسعه استان تجدید نظر شود. از این‌رو، بر اساس یافته‌های پژوهش راهکارهای زیر ارائه می‌گردد:

- سکونت‌پذیری یک منطقه در ارتباط مستقیم با سطح توسعه آن بوده و شرایط کنونی مناطق عشایری استان برای اسکان عشایر مناسب نیست. از این رو پیشنهاد می‌شود با اتکا به روش‌های برنامه‌ریزی آمایشی، پیش از اجرای برنامه‌های اسکان بسترهای مساعد آن فراهم گردد؛
- با توجه به این که اغلب آبادی‌های عشایری استان، اتراقگاه‌های سنتی عشایر هستند و بر حسب شرایط فصلی انتخاب شده‌اند، ضروری است در مکان‌یابی اسکان، ضمن تلفیق روش‌های مشارکتی و کارشناسی به نکاتی چون سیل‌خیزی، خطوط گسل و زلزله‌خیزی، زمین لغزش، و خطر سقوط بهمن توجه شود؛
- با توجه به محدودیت توسعه سطح زیر کشت و وجود منابع آب فراوان در اغلب مناطق عشایری استان، فرایند اسکان عشایر با سرمایه‌گذاری‌ها و اقدامات لازم جهت آبی نمودن اراضی دیم همراه گردد. از این رهگذر امکان جبران کاهش درآمد عشایر از محل دامداری فراهم می‌آید و شرایط بهتری برای تثبیت جمعیت ایجاد می‌شود؛
- کشاورزی عشایر بختیاری معیشتی و محصول عمده تولیدی، گندم، جو و یونجه است. عملکرد محصول نیز در واحد سطح نسبت به میانگین‌های استانی کمتر است. از این رو فرایند اسکان باید با شناسایی استعدادها و مزیت‌های نسبی کشاورزی منطقه و برنامه‌های ترویجی جهت انتقال این یافته‌ها به کشاورزان و ارائه آموزش‌های لازم در زمینه یادگیری اصول کشاورزی نوین همراه باشد؛
- همان‌طور که بیان شد یکی از پیامدهای اسکان افزایش بیکاری زنان عشایر و کاهش درآمد خانوار است. از این رو، با توجه به محبوبیت و بازارپسندی صنایع دستی عشایری (مانند گبه، قالیچه، گلیم) در بازارهای داخلی و جهانی و مهارت زنان و دختران عشایر در این زمینه، پیشنهاد می‌شود فرایند اسکان با برنامه‌ریزی‌هایی جهت تشویق، حمایت و آموزش زنان عشایر همراه باشد و سازوکارهای اصولی و عادلانه بازاریابی و بازرسانی محصول پیش‌بینی گردد؛

- جهت رفع محرومیت و جلوگیری از مهاجرت ساکنان شهرک‌های عشایری به سایر نقاط، ضروری است در ارائه خدمات مورد نیاز نظیر آب، برق، احداث درمانگاه، خانه بهداشت، و مدرسه تسریع گردد. همچنین برای دسترسی مناسب خانوارهای مورد بررسی به خدمات موجود در سکونتگاه‌های مجاور و نزدیک، تقویت راه‌ها و زیرساخت‌های ارتباطی منطقه و باز نگه داشتن جاده‌های دسترسی به ویژه در فصل زمستان اهمیت حیاتی می‌یابد؛
- جهت جلوگیری از تخریب خانه‌های ناتمام، از بین رفتن سرمایه‌ها و در نتیجه تشدید فقر عشایر، وام‌های کافی و کم‌بهره به ایشان اعطا شود؛
- سازوکارهایی برای خرید دام عشایر به قیمت عادلانه و کوتاه کردن دست چوبداران جهت جلوگیری از سرازیر شدن ارزش افزوده عشایر به شهرها، و نیز تعمیم بیمه دام عشایر (اعم از اسکان‌یافته و کوچنده) ایجاد شود؛

### یادداشت‌ها

- ۱- marginal lands: به زمین‌هایی اطلاق می‌شود که بنا به دلایل طبیعی و اقلیمی قابلیت کشت ندارند یا به سختی و با هزینه زیاد بتوان در آنها کشت نمود (Monkhouse, 1969: 220).
- ۲- در ایران علاوه بر وجود بستر طبیعی مساعد و پیشینه چند هزار ساله این گونه از معیشت، تحولات تاریخی کشور در برخی مقاطع (مانند حمله یونانیان، اعراب، ترکان، مغول‌ها) به سبب ناامنی حاکم و فرهنگ قبیله‌ای اقوامی که بر ایران سلطه یافتند، در بسط بیشتر کوچ‌روی مؤثر بود (لمتون، ۱۳۶۲: ۲۰۶ و ۲۰۷؛ دوپلانول، ۱۳۸۳: ۱۲۵).
- ۳- در برنامه‌های عمرانی رژیم گذشته اقداماتی در قالب عمران ناحیه‌ای در مناطق عشایری انجام شد که یکی از اهداف جنبی آن تبدیل اقتصاد دامداری متحرک عشایری به اقتصاد مختلط کشاورزی و دامداری با هدف اسکان عشایر بود. تنها در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶) است که با حفظ جهت‌گیری اسکان از ارائه خدمات سیار درمانی-بهداشتی، آموزشی و دامپزشکی به عشایر سخن به میان می‌آید (سازمان برنامه، ۱۳۵۱: ۱۳۳-۱۳۴).

4. Gash

5. evaluation

6. impact

7. consequence

۸- شامل ۱۵۰ خانوار اسکان یافته در چلگرد، ۵۵ خانوار اسکان یافته در شَرَمک و ۳۵ خانوار اسکان یافته در لَشتر.

۹- نحوه محاسبه حجم نمونه:

$$n = Nt^2 pq / (N-1)d^2 + t^2 pq$$

N= جامعه آماری (۲۴۰ تن)

n = حجم نمونه

p = ۰/۲ احتمال داشتن صفت

q = ۰/۸ احتمال نداشتن صفت

t = با سطح اطمینان ۹۵٪ معادل ۱/۹۶ یا حدوداً ۲

d = درجه اطمینان ۰/۰۵

$$n = 240 \times 2^2 \times 0.2 \times 0.8 / (240 - 1) \times 0.05^2 + 2^2 \times 0.2 \times 0.8 \approx 124$$

#### 10. Kruskal-Wallis test

۱۱- مطالعات مربوط به مکان‌یابی کانون‌های اسکان توسط امورعشایر استان، به شرکت‌های پیمانکاری محلی واگذار شده است. متأسفانه یکی از دلایل ضعف‌های متعدد در اسکان عشایر نیز کیفیت بسیار نازل این مطالعات است که فاقد روشمندی و اعتبار علمی لازم هستند. برای نمونه، در مورد سیل‌گیری منطقه، هیچ مطالعه‌ای بر اساس اصول علمی و دوره‌های بازگشت بلند مدت انجام نشده و صرفاً به ذکر سیل‌گیر بودن منطقه اکتفا شده است.

۱۲- انواع دام جامعه مورد بررسی به شرح زیر به واحد دامی تبدیل شده است: ۱ رأس گوسفند برابر ۱ واحد دامی، بز ۰/۷۵ واحد دامی، گاو ۴ واحد دامی و احشام برابر ۳/۵ واحد دامی (سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، ۱۳۸۱: ۶۵).

۱۳- با توجه به اینکه در یک برآورد، حداقل دام مورد نیاز برای تأمین معاش خانوار عشایری ۱۵۰ واحد دامی (بخشنده‌نصرت، ۱۳۸۰: ۲۴) و در برآوردی دیگر حداقل ۲۳۰ واحد دامی (سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، ۱۳۸۱: ۷۰) در نظر گرفته شده است، اکثریت جامعه مورد بررسی از نظر تأمین معاش در تنگنا به سر می‌برند.

#### منابع

- افشارنادری، نادر (۱۳۴۷)، *مونوگرافی ایل بهمنی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۱)، «تأثیر نوسازی بر قومیت در ایران». *همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران*. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- اهلرس، اکارت (۱۳۸۰)، «کوچ‌روی شبانی و محیط: بختیاری‌های زاگرس». ترجمه عباس سعیدی. *مجموعه مقالات ایران - شهر - روستا - عشایر*. تهران: منشی.
- بخشنده‌نصرت، عباس (۱۳۸۰)، *برنامه‌ریزی و شیوه‌های ساماندهی کوچندگی*. سمنان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان.
- خوینفکرآبادی، حبیب‌الله (۱۳۷۵)، «تجارب راهبردهای مربوط به ساماندهی روستاهای پراکنده و عوامل بازدارنده آن در استان سیستان و بلوچستان». *مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده*. همدان: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.



- دویلانول، گزایوه (۱۳۸۳)، *کوچ‌نشینان و شبانان*. ترجمه و تلخیص محمدحسین پاپلی یزدی. تهران: سمت.
- سازمان برنامه (۱۳۵۱)، *برنامه پنجم عمرانی کشور ۵۶-۱۳۵۲*. تهران: انتشارات سازمان برنامه.
- سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری (۱۳۸۱)، *برنامه اقدام ملی مقابله با بیابانزایی و تعدیل اثرهای خشکسالی*. تهران: مؤسسه توسعه روستایی.
- سعیدی، عباس؛ طالب، مهدی و صفی‌نژاد، جواد (۱۳۷۳)، *طرح ساماندهی روستاهای پراکنده - استقرار بهینه روستاهای پراکنده استان کهگیلویه و بویراحمد، بخشهای بهمنی و لنده، جلد اول تا چهارم*. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- سلطانی، غلامرضا و همکاران (۱۳۷۸)، *ارزیابی اقتصادی طرح اسکان عشایر در دشت بکان اقلید*. تهران: سازمان امورعشایر.
- سو، آوین ی. (۱۳۸۰)، *تغییر اجتماعی و توسعه*. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شرکت مشاور محکم کار (بی تا)، *سایت اسکان گشتر* (گزارش منتشرنشده). شهرکرد: اداره امور عشایر چهارمحال و بختیاری، تاریخ مراجعه: ۱۳۸۴.
- صالحی، اصغر (۱۳۸۲)، *ارزشیابی اثرات اقتصادی، اجتماعی طرحهای ساماندهی عشایر در استان اصفهان*. اصفهان: مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان اصفهان.
- کیاکجوری، سعید (۱۳۶۶)، *نظارت و ارزشیابی توسعه روستایی*. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- لمتون، ا.ک.س. (۱۳۶۲)، *مالک و زارع در ایران*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- وزارت کشور، (۱۳۸۵)، *نقشه‌های رقومی استان چهارمحال و بختیاری*. (منتشرنشده). تهران: وزارت کشور، اداره کل تقسیمات کشوری.
- Khogali, Mustafa Mohamed (2001), *Nomads and Their Sedentarization in Sudan*. Khartum: University of Khartum, Department of Geography.
- Larsen, K. et al. (2003), "Sedentarization of nomadic people: the case of the Hawawir in Um Jawasir Northern Sudan". Dry Lands Coordination

---

Group (DCG), Report No. 24. Available on: <http://www.drylands-group.org>.

Monkhouse, F.J. (1969), *A Dictionary of Geography*. Southampton: Edward Arnold.

UNDP (2002), *Handbook for Monitoring and Evaluating Results*. New York: UNDP Evaluation Office.

Vassa, S. (2001), "Sedentarization of pastoral nomads". Available on: <http://www.vassa.net/saloni/nomads.htm>.